

علل و زمینه‌های فساد دانشگاهی و پیامدهای ناشی از آن^۱

مریم قائدی^۲، مهرداد مدهوشی^{۳*}، نادر رازقی^۴ و عبدالحمید صفایی قادیکلایی^۵

چکیده

سؤال اصلی پژوهش این بود که چه دلایل، شرایط و زمینه‌هایی سبب ایجاد فساد دانشگاهی می‌شود و بروز فساد دانشگاهی چه پیامدهایی برای دانشجویان، استادان، ساختار نظام آموزش عالی و دیگر نهادها و سازمان‌های جامعه دارد. روش پژوهش تئوری زمینه‌ای بود. داده‌ها از طریق مصاحبه کیفی عمیق با ۲۲ نفر از دانشجویان دوره دکتری، اعضای هیئت علمی دپارتمان علوم اقتصادی و اداری و علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌های شهید بهشتی، تربیت مدرس و مازندران و همچنین سیاستگذاران حوزه علم و فناوری در سال ۹۶-۱۳۹۵ به شیوه نمونه‌گیری نظری و هدفمند جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان داد که تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده خطمشی علمی، تمرکزگرایی، توجه به کمیت به جای کیفیت، قانون‌گریزی، تجاری شدن آموزش عالی، افزایش تقاضای جامعه برای آموزش عالی و مدرک‌گرایی از جمله علل اصلی بروز فساد دانشگاهی است. همچنین شرایط و زمینه‌های دیگری چون شکاف بین دانشگاه و صنعت، رویه‌های نادرست نظارت رسمی در دانشگاه‌ها و تنزل آموزش در بروز فساد دانشگاهی مؤثرند. مطالعه نشان داد که پیامد چنین فساداتی به کمرنگ شدن اخلاق فردی و حرفه‌ای، پیامدهای منفی اقتصادی و پایین آمدن رفاه کلی جامعه منجر خواهد شد.

کلیدواژگان: فساد دانشگاهی، نظام آموزش عالی، پیامدهای منفی اقتصادی، پایین آمدن رفاه کلی جامعه.

مقدمه و بیان مسئله

اعتقاد بر این است که فساد پدیده‌ای باثبات و پیچیده است که به وسیله ساختار نهادهای سیاسی و حقوقی ضعیف پرورش می‌یابد و چرخه‌ای معیوب و ویرانگر از توسعه نیافتگی انسانی را به وجود می‌آورد (Dong)

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

۲. دانشجوی دکتری گروه سیاستگذاری علم و فناوری، دانشکده علوم اقتصاد و اداری دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران:

maryam.ghaedi12@gmail.com

۳. استاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

* نویسنده مسئول: mmadhoshi@yahoo.com

۴. دانشیار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران: razeghi@umz.ac.ir

۵. دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران: ab.safaei@umz.ac.ir

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۸/۲۶ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۴/۲

(Osipian, 2007; Heyneman, 2013). اما قلمرو، مشروعیت و پیامدهای آن ممکن است مختلف باشد. تعریفی که شفافیت بین‌الملل از فساد ارائه کرده است، سوء استفاده از قدرت سپرده شده برای به دست آوردن سود شخصی است؛ این تعریف به طور وسیع در میان محققان، سیاستگذاران و متخصصان به کار گرفته می‌شود. در آموزش عالی فساد به معنای نبود صداقت علمی است (Denisova-Schmidt, 2017). همچنین تعریف فساد در آموزش عالی می‌تواند برقراری نظام روابط غیررسمی برای تنظیم دسترسی غیرمجاز به دارایی‌های مادی و غیرمادی از طریق سوء استفاده از مراکز عمومی یا اعتماد سازمانی باشد (Osipian, 2012). فساد در آموزش عالی را می‌توان از نظر سطح وقوع، سطح آموزش، بازیگران درگیر و ماهیت مبادله پیگیری کرد. از نظر سطح وقوع سطح وزارت آموزش و پرورش / وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سطح منطقه‌ای / بخشی، سطح مدرسه / دانشگاه و سطح کلاس درس مد نظر قرار می‌گیرد. در سطح آموزش نیز آموزش ابتدایی و متوسطه، آموزش عالی، آموزش خصوصی در مقابل آموزش دولتی و آموزش رسمی در تقابل با آموزش غیررسمی مهم شناخته شده است. بازیگران درگیر شامل مبادله مدیر با کارپرداز خصوصی، مبادله مدیر و کارمندان، مبادله مدیر و دانشجو و مبادله دانشجو و دانشکده (اعضای هیئت علمی) است و در نهایت، ماهیت مبادله می‌تواند مدیرمحور، دانشکده / دانشگاه محور، کارمندمحور (کارکنان غیر آموزشی) و دانشجومحور باشد (Hallak & Poisson, 2007).

فساد در آموزش عالی پدیده جدیدی نیست (Osipian, 2007; Heyneman, 2013). اما قلمرو، مشروعیت و پیامدهای آن ممکن است مختلف باشد. تعریفی که شفافیت بین‌الملل از فساد ارائه کرده است، سوء استفاده از قدرت سپرده شده برای به دست آوردن سود شخصی است؛ این تعریف به طور وسیع در میان محققان، سیاستگذاران و متخصصان به کار گرفته می‌شود. در آموزش عالی فساد به معنای نبود صداقت علمی است (Denisova-Schmidt, 2017). همچنین تعریف فساد در آموزش عالی می‌تواند برقراری نظام روابط غیررسمی برای تنظیم دسترسی غیرمجاز به دارایی‌های مادی و غیرمادی از طریق سوء استفاده از مراکز عمومی یا اعتماد سازمانی باشد (Osipian, 2012). فساد در آموزش عالی را می‌توان از نظر سطح وقوع، سطح آموزش، بازیگران درگیر و ماهیت مبادله پیگیری کرد. از نظر سطح وقوع سطح وزارت آموزش و پرورش / وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سطح منطقه‌ای / بخشی، سطح مدرسه / دانشگاه و سطح کلاس درس مد نظر قرار می‌گیرد. در سطح آموزش نیز آموزش ابتدایی و متوسطه، آموزش عالی، آموزش خصوصی در مقابل آموزش دولتی و آموزش رسمی در تقابل با آموزش غیررسمی مهم شناخته شده است. بازیگران درگیر شامل مبادله مدیر با کارپرداز خصوصی، مبادله مدیر و کارمندان، مبادله مدیر و دانشجو و مبادله دانشجو و دانشکده (اعضای هیئت علمی) است و در نهایت، ماهیت مبادله می‌تواند مدیرمحور، دانشکده / دانشگاه محور، کارمندمحور (کارکنان غیر آموزشی) و دانشجومحور باشد (Hallak & Poisson, 2007).

فساد در اشکال و ابعاد مختلف به دانشگاه و نظام آموزش عالی نفوذ کرده است (Seniwoliba & Boahene, 2015). شرایط سازمانی متغیر و اثرگذار بر آموزش عالی، بنا به دلایلی همچون رقابت بیش از حد، بی‌نظمی در آموزش و پژوهش، پاداش‌های نامتناسب، بی‌عدالتی در محیط‌های کاری و تمرکز قدرت با کنترل و توازن ناکافی بر زندگی کاری دانشجویان، استادان، کارکنان و مدیران نیز تأثیر می‌گذارد (Shaw, Chapman & Romyantseva, 2011). این مسئله در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته جهان به چشم می‌خورد.

در اوایل دهه ۱۹۹۰، در کشور روسیه سیاست کاهش چشمگیر حمایت مالی دولت از دانشگاه‌ها به ایجاد فساد در اشکال مختلف و در حجم بزرگ منجر شد. مطالعات درباره فساد آموزش عالی در این کشور که تا قبل از دهه ۱۹۹۰ میلادی به تعداد انگشت شمار بود و در آنها نوعاً پدیده‌ای خاص همانند پذیرش از طریق

ارتباطات شخصی بررسی می‌شد، بعد از دهه ۱۹۹۰ به‌طور چشمگیر افزایش یافت و بر روی دو حوزه؛ یعنی اخذ پذیرش دانشگاه - که یکی از مشکل‌سازترین مسائل در زمینه فساد در آموزش عالی روسیه است - و تحصیلات در سطوح بالای آموزش عالی متمرکز شد (Denisova-Schmidt et al., 2016). آسیاپین (Osipian, 2012) در حوزه تحصیلات تکمیلی به فروش پایان‌نامه در روسیه اشاره کرده که به یک بازار تبدیل شده است. هدف از پژوهش وی شناسایی ارائه‌دهندگان این خدمات، نوع خدماتی که آنها پیشنهاد می‌کنند و قیمت خدمات آنها بود. او پیامدهای منفی را برای این نوع فساد این‌گونه بر می‌شمارد: ۱. فساد در آموزش عالی انسجام اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ ۲. نبودن جایگزینی برای دکتری در نظام آموزش عالی مدرن موجب می‌شود که دکتری جعلی اعتبار دکتری واقعی را زیر سؤال ببرد و به فرسایش استانداردهای کیفیت و کمک هزینه‌های تحصیلی و بورس‌ها منجر شود.

در کشور چین دانشگاه‌ها تحت حمایت دولت هستند و استقلال آکادمیک ندارند. رشد سریع آموزش عالی در این کشور به همراه فشارهایی که در مسابقه رتبه‌بندی دانشگاه‌ها وجود دارد، به ایجاد نگرانی فزاینده درخصوص صداقت تحقیقات منجر شده است. مواردی از سوءرفتار شامل تحریف^۶، جعل^۷ و سرقت ادبی^۸ در تحقیقات به چشم می‌خورد. به هر حال، نبود صداقت و وجود فساد علمی در تحقیقات کشور چین نیازمند درک هنجارهای فرهنگی است که در برگیرنده ساختار روابط و میزان حسن نیت و احترام برای استقلال است. همچنین حکمرانی ضعیف دانشگاهیان و فقر جامعه‌پذیری دانشگاهی به وضعیت مشکل فلی بی‌صداقتی در تحقیقات و فساد علمی کنونی این کشور دامن زده است (Chen & Macfarlane, 2015). به نظر می‌رسد که در برخی از کشورها فساد ابزاری مؤثر برای مدیریت کل نظام آموزش عالی، هم برای نگهداشتن نظام در حال اجرا و هم شناسایی در سطح داخلی و بین‌المللی، باشد (Denisova-Schmidt, 2017).

در کشور ایران در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۶ با کشف و شناسایی چندین مورد سرقت علمی یا ادبی توسط محافل برجسته علمی خارجی، موج وسیعی از نگرانی‌ها را در میان دانشگاهیان و پژوهشگران ایجاد و حساسیت سیاسی شدیدی را در میان نهادهای پژوهشی و دانشگاهیان به وجود آورده و مسئولیت دانشمندان ایرانی را در قبال این مسئله دوچندان کرده است (Nature, 2009; 2016).

طبق آماري که مرکز آمار ایران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ منتشر کرد، تعداد دانشجویان مؤسسات آموزش عالی ۴,۳۴۸,۳۸۳ نفر بود که ۲۲,۲٪ آنها در مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد، دکتری حرفه‌ای و تخصصی) بودند و تعداد ۸۰۰۹۷ اعضای هیئت علمی تمام وقت در ایران وجود داشت. تمایل کشور ایران به رقابت در سطح خاورمیانه و حتی در جهان به این امر منجر شد که این کشور هزینه تحقیق و توسعه خود را افزایش دهد که به واسطه آن خروجی پژوهش ایران از سال ۲۰۰۵ (با ۸۲۳۹ اسناد

6. Falsification
7. Fabrication
8. Plagiarism

پژوهشی) تا سال ۲۰۱۶ (با ۴۹۵۷۲ اسناد پژوهشی) تقریباً به بیش از ۶ برابر افزایش یافت. لذا، این پیشینه موجب نگرانی‌های فزاینده درخصوص استانداردهای کیفیت تحقیقات شد. چنین نگرانی‌هایی در زمینه‌های علمی بین‌المللی در مجلاتی چون نیچر^۹ و ساینس^{۱۰} برجسته شده است. در هر کشور محققان و دانشمندی هستند که برای دستیابی به اهداف فردی همانند شهرت یا ارتقای مرتبه به زیر پا گذاشتن اخلاقیات خو می‌گیرند که نمونه بارز آن را می‌توان هم در علوم انسانی و هم در علوم بنیادین مشاهده کرد که با کپی‌برداری از مطالب دیگران یا با عوض کردن نتایج واقعی تحقیق، به نتایج مورد پسند جامعه علمی دست پیدا می‌کنند. همچنین در تحقیقی جامع پس از بررسی یک درصد از مقالات چاپ شده محققان ایرانی در نمایه‌های معتبر بین‌المللی، رشته‌های ایمونولوژی و میکروبیولوژی و پزشکی دارای بالاترین سطح کپی‌برداری ادبی بوده‌اند و جالب آنکه سایر کشورهای مورد بررسی در این مطالعه از جمله آمریکا، چین، استرالیا و ترکیه نیز چنین مشکلی را در تحقیقات خود داشتند (Jamali, Ghazinoory & Sadeghi, 2014).

اهمیت و ضرورت بررسی فساد در حوزه آموزش عالی را از دو جنبه نظری و عملی می‌توان برشمرد. از جنبه نظری مهم‌ترین نکته آن است که هر گونه اقدام برای مقابله با فساد مستلزم پاسخگویی به پرسش‌های بنیادین درباره شناخت چیستی این پدیده و چرایی آن و در نهایت، چگونگی پدید آمدن آن و شناخت چالش‌های موجود است. بدون پاسخگویی به این پرسش‌ها نمی‌توان انتظار داشت که اقدامات علیه فساد به نتایج مؤثری بینجامد. از بعد عملی هم نمونه‌های عملی آن را در دستور کار دولت می‌توان دید، به‌گونه‌ای که بر اساس سنجش و ارزیابی میزان فساد، راهکارها و سیاست‌هایی برای استقرار نظام آموزش عالی سالم پیش‌بینی و تدوین خواهد شد. با توجه به اهمیت دانشگاه و جایگاه آن در پرورش نیروی انسانی شایسته و مورد نیاز جامعه و همچنین تأکید قانون اساسی بر اهمیت و قداست این نهاد مهم، ارزیابی دلایل بروز فساد در این نهاد ضروری به نظر می‌رسد، چرا که با آشکار شدن دلایل بروز فساد در دانشگاه‌ها و پیامدهای زیانبار آن می‌توان با آگاهی بیشتری برای پیشگیری اقدام کرد.

در این پژوهش با رهیافت کیفی و بر اساس نظریه مبنایی، دلایل، شرایط و عوامل و پیامدهای فساد در آموزش عالی بررسی شده و پاسخگویی به سؤالات زیر مد نظر قرار گرفته است:

۱. شرایط علی به‌وجود آورنده پدیده فساد دانشگاهی چیست؟
۲. زمینه‌ها و محیط به‌وجود آورنده پدیده فساد دانشگاهی کدام‌اند؟
۳. راهبردهای به‌وجود آورنده فساد دانشگاهی کدام‌اند؟
۴. پیامدهای ناشی از پدیده فساد دانشگاهی چیست؟

پیشینه پژوهش

فساد در آموزش و پرورش به‌طور عام و در آموزش عالی به‌طور خاص پدیده فراگیری است که نظام‌های آموزشی همواره با آن درگیر بوده و هزینه‌های هنگفتی را بابت آن پرداخت کرده‌اند که درخصوص میزان آن آمار دقیق و مشخصی وجود ندارد (Moghtaderi & Dahmardeh, 2012)، ولی مطالعات و پژوهش‌های مختلف در سراسر جهان حاکی از آن است که این پدیده مختص به یک رشته، یک دانشگاه یا یک کشور نیست و در تمام کشورها وجود دارد و در حال افزایش است و با پیشرفت فناوری‌های جدید به‌عنوان خطری شایع تلقی می‌شود که باید همه جوامع درباره آن به‌عنوان معضلی جدی مطالعه کنند (Abbasy & Zaer, 2015).

یکی از مطالعات جامع درباره سنجش میزان فساد آکادمیک در کشورهای دنیا گزارشی است که در آن بارومتر جهانی فساد از بیش از ۱۱۴ هزار پاسخ‌دهنده در ۱۰۷ کشور جهان به عمل آورد (Transparency International, 2013) و یافته‌ها نشان داد که فساد در آموزش نگرانی فزاینده‌ای است و در سراسر جهان و در تمام سطوح نظام آموزش و پرورش، ۴۱ درصد از پاسخ‌دهندگان نظام آموزش و پرورش در کشور خود را فاسد یا به‌شدت فاسد اعلام کرده‌اند.

پژوهشگران متعددی در داخل و خارج از کشور درباره پدیده فساد در آموزش و پرورش و آموزش عالی بررسی و به مظاهر فساد، علل و ریشه‌ها و به‌ویژه پیامدها و عوارض آن هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی توجه کرده‌اند.

زمانی و همکاران (Zamani, Azimi & Soleymani, 2013) در پژوهشی با روش کمی به شناسایی و اولویت‌بندی علل مؤثر بر سرقت علمی پرداختند که یکی از مظاهر فساد آکادمیک است؛ آنها عواملی چون مدرک‌گرایی و توجه زیاد به نمره، عوامل فرهنگی و اجتماعی، نبود احساس خودکارآمدی در اجرای پژوهش، عوامل نگرشی، نبود سازکار مناسب برای تشخیص و تنبیه سارقان علمی، آموزش‌های ناکافی قبل و بعد از ورود به دانشگاه، تشخیص ندادن سرقت علمی از سوی استادان، عامل فشار زمانی، وجود نداشتن ترس از تنبیه و مؤاخذه و فضاهای مجازی و اینترنتی را به‌عنوان عوامل اصلی اثرگذار دانستند که از بین اینها، مدرک‌گرایی در رتبه نخست قرار گرفت و مهم‌ترین عامل در ارتکاب پدیده سرقت علمی شناسایی شد.

قلی‌پور و همکاران (Gholipour, Koushazadeh, Salimi, Amiri-Tayyebi & Ebrahimi, 2009) مساوات و برابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی، رعایت انصاف در توزیع دوره‌های تحصیلی و مواد آموزشی، داشتن انصاف و شفافیت در شاخص‌هایی که برای دسترسی به آموزش‌های سطوح بالاتر و ویژه به‌کار می‌روند، رعایت انصاف در اعتبارسنجی و دقت در قضاوت‌ها بر مبنای استانداردهای حرفه‌ای و حفظ و رعایت استانداردهای آموزش عالی در حوزه عمومی و خصوصی را به‌عنوان پیامدهای نظام آموزش عالی عاری از فساد بیان کرده‌اند.

علی‌وردی‌نیا و صالح‌نژاد (Aliverdina & Salehnejad, 2013) درباره عوامل مؤثر در خصوص اقدام به تقلب ۴۰۸ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه ارومیه را به روش پیمایشی بررسی کردند. یافته‌ها حاکی از آن است که دو متغیر منافع تقلب و فرصت‌های انحرافی به‌عنوان عوامل مؤثر بر اقدام به تقلب تأیید شدند. همچنین افزایش منافع حاصل از تقلب و نبود مواضع پیشگیرانه موجب گسترش تقلب در میان دانشگاهیان شده است. با این حال، به نظر می‌رسد گسترش و تقویت اخلاقیات علمی منسجم در سطح دانشگاه علاوه بر کاهش انگیزش‌های فردی و تقویت باورهای اخلاقی در سطح خرد، می‌تواند موجب تقویت سیاست‌گذاری‌های کلان و ساختاری دانشگاهی برای جلوگیری از گسترش تقلب شود.

حالاک و پواسون (Hallak & Poisson, 2007) در کتاب خود با عنوان *مدارس فاسد، دانشگاه‌های فاسد: چه می‌توان کرد؟* درباره سطوح رفتار فاسد کار کردند، اما تعریف بسیار گسترده‌تری را ارائه دادند. آنها حوزه‌های اصلی فساد را که ناشی از مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی است، به ده دسته طبقه‌بندی و آنها را به‌عنوان نواحی احتمالی رفتار فاسد معرفی کردند: ۱. امور مالی؛ ۲. تخصیص سهمیه خاص (یارانه و کمک هزینه‌های تحصیلی و سوبسیدها و ...); ۳. ساخت‌وساز، تعمیرات و نگهداری مدارس؛ ۴. توزیع تجهیزات، اثاثیه و مواد (شامل حمل و نقل، مدارس شبانه‌روزی، کتاب‌های درسی، سلف و وعده‌های غذایی مدرسه)؛ ۵. تألیف کتب مرجع و درسی؛ ۶. استخدام و انتصاب معلم و مدیر (انتقال و ارتقا)، پرداخت و آموزش؛ ۷. رفتار معلمان (سوء رفتار حرفه‌ای)؛ ۸. نظام‌های اطلاعاتی؛ ۹. امتحانات و دیپلم‌ها و دسترسی به دانشگاه‌ها؛ ۱۰. اعطای مجوز رسمی سازمانی.

اسکنلون و نیومن (Scanlon & Neumann, 2002) به عوامل اثرگذار نظیر ناآگاهی، نگرش‌های شخصی، در دسترس بودن منابع اینترنتی، نبودن صلاحیت و توانایی لازم برای انجام دادن کارهای علمی و پژوهشی، عامل فشار نظیر اخذ نمره و نبود قوانین مؤسسه‌ای و سازمانی در بروز و گسترش فساد دانشگاهی اشاره کرده‌اند.

لاو و سایمنز (Love & Simmons, 1998) بر اساس مصاحبه‌های جامعی که با دانشجویان کارشناسی ارشد انجام دادند، دو عامل اصلی اثرگذار بر پدیده فساد علمی و آکادمیک را شناسایی کردند: عوامل تأثیرگذار بیرونی شامل عامل فشار (نمره، زمان موجود و در دسترس برای انجام دادن تکلیف مورد نظر) و توجه کم استادان به این پدیده؛ عوامل اثرگذار درونی شامل نگرش‌های شخصی، ناآگاهی، نبود خودکارآمدی و احساس ناشایستگی در انجام دادن کارهای علمی است.

هینمن (Heyneman, 2013) اشاره می‌کند که مدیریت بد، ناکارآمدی و بی‌کفایتی، بی‌میلی در اشتراک اطلاعات محرمانه و کندی در تصمیم‌گیری نشان‌دهنده فساد ناشی از ناشایستگی فعالان کلیدی این حوزه است.

در مطالعات خارجی دیگر ظهور فناوری جدید اطلاعات و ارتباطات و در دسترس بودن منابع اینترنتی (Thurmond, 2010; Giorgio, 2005; Park, 2003)، کاهش حمایت دولت و کمبود بودجه دولتی و تأخیر در بودجه، تأکید دانشگاه‌ها بر یافتن راه‌هایی برای تأمین بودجه خود یا «سرمایه‌داری دانشگاهی»

(Chapman & Chien, 2014)، رکود حقوق کارکنان آموزشی دانشگاه و چالش‌های اقتصادی اعضای هیئت علمی در زمینه اقتصادی (Chapman & Chien, 2014; Chapman & Chien, 2014; Shaw et al., 2011; Lindner, 2016) به‌عنوان عوامل مؤثر بر فساد آکادمیک معرفی شده‌اند. در مجموع، باید گفت که فساد در سطوح متفاوتی (سطح فردی، سطح گروه، سطح دانشکده، سطح دانشگاه، سطح ملی، سطح فراملی) تجزیه و تحلیل شده است. در مرور نقادانه مطالعات داخلی مشاهده می‌شود که اولاً تعداد مطالعات درباره موضوع فساد آکادمیک و دلایل و پیامدهای آن علی‌رغم اهمیت موضوع بسیار اندک است و اندک مطالعات صورت پذیرفته بیشتر کمی هستند، ثانیاً در تجزیه و تحلیل فساد بیشتر بر سطح فردی و تا حدودی گروهی تأکید شده است. در مطالعات خارجی نیز اگر چه علاوه بر سطوح فردی و گروهی، سطوح کلان‌تر- کنش بین بازیگران در سطح دانشکده و دانشگاه- بررسی شده است، تمرکز اصلی بر سطح فرد و گروه است و البته، مطالعات بسیاری درخصوص مصادیق و مظاهر فساد آکادمیک صورت پذیرفته است.

روش پژوهش

این پژوهش دارای رویکرد کیفی بود و از آنجا که هدف این مطالعه بررسی دلایل، شرایط و زمینه‌های فساد دانشگاهی و همچنین بررسی پیامدهایی بود که این پدیده برای دانشجویان، استادان، ساختار نظام آموزش عالی و به‌طور کلی، دیگر نهادها و سازمان‌های جامعه دارد، از گراند تئوری^{۱۱} استفاده شد. از نظر پارادایمی، تحقیق کیفی مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی- بر ساخت‌گرایی اجتماعی بود (Strauss & Corbin, 2006). داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های عمیق گردآوری شد.

مشارکت‌کنندگان پژوهش با توجه به قلمرو موضوعی آن دانشجویان دوره دکتری، اعضای هیئت علمی با سابقه، مسئولان دانشگاهی، متخصصان حوزه مطالعات آموزش عالی در سه دانشگاه تربیت مدرس، شهید بهشتی و مازندران و همچنین سیاستگذاران حوزه علم و فناوری در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بودند که متناسب با راهبرد پژوهش به شیوه نمونه‌گیری نظری و هدفمند انتخاب شدند. معیار خروج از مطالعه نیز تمایل نداشتن مشارکت‌کننده به ادامه مصاحبه بود.

در پژوهش‌هایی که با استفاده از روش تحقیق کیفی انجام می‌شود، تعداد دقیق افراد نمونه از قبل مشخص نیست، بلکه نمونه‌گیری در میدان تحقیق انجام می‌شود. تعداد نمونه‌ها باید در حدی باشد که به تبیین و شناخت مسئله مورد نظر کمک کند و به اشباع یا اقصاء اطلاعات مورد نظر بینجامد و با افزایش تعداد نمونه‌ها داده‌های جدیدی حاصل نشود. در این مطالعه نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت، به طوری که تعداد مشارکت‌کنندگان به ۲۲ نفر رسید و تجزیه و تحلیل بعد از پیاده کردن مصاحبه‌ها صورت گرفت.

تحلیل داده‌ها طی فرایندی منظم و در عین حال مداوم از مقایسه داده‌ها بود و برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش از فرایند کدگذاری باز و کدگذاری محوری استفاده شد. برای کدگذاری باز متن مصاحبه‌ها خوانده و جملات اصلی آن استخراج و به صورت کدهایی ثبت شدند و سپس، کدهای مشابه در دسته‌هایی قرار گرفتند. در کدگذاری محوری، طبقات به طبقات فرعی خود ربط داده شدند تا تبیین‌های دقیق و کامل‌تری درباره پدیده ارائه شود. همچنین در کدگذاری محوری دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز تشکیل شده بودند، با هم مقایسه شدند و آنهایی که با هم شباهت داشتند، حول محور مشترکی قرار گرفتند. بر اساس مدل پارادایمی توجه به شرایط علی، زمینه‌ها و پیامدهای هر طبقه در این مرحله ضروری بود.

در طول پژوهش روش‌هایی برای اطمینان از صحت و پایایی مطالعه استفاده شد. بر طبق نظر لینکلن و کوبا (۱۹۸۵)، در مطالعات کیفی چهار معیار برای اعتمادپذیری مطالعه پیشنهاد شده است: مقبولیت (قابلیت اتکا و اطمینان^{۱۲})، انتقال‌پذیری^{۱۳}، همسانی و باورپذیری^{۱۴} (Hemati, 2013).

در این پژوهش از طریق نمونه‌گیری نظری، ارائه اطلاعات در خصوص اهداف مطالعه به شرکت‌کنندگان برای جلب اعتماد آنها در طی مصاحبه‌ها، بررسی مداوم داده‌ها، ضبط صدا، پیاده‌سازی و تحلیل داده‌ها بلافاصله پس از مصاحبه و بازخورد آن برای مصاحبه‌های بعدی و بیان تمام جزئیات مربوط به مفاهیم و مضامین اصلی و فرعی، برای افزایش قابلیت اتکا و اطمینان به یافته‌های پژوهش استفاده شد.

تأییدپذیری داده‌ها با روش بازبینی اعضا صورت گرفت؛ یعنی داده‌ها از طریق بازنگری سه تن از خبرگان در دسترس و استفاده از نظرهای اصلاحی آنها آزمون شد. برای بررسی انتقال‌پذیری مطالعه نتایج در اختیار دو خبره که در تحقیق شرکت نداشتند، گذاشته و از آنان خواسته شد تا نظرهای اصلاحی خود را بیان و نتایج را با تجربه‌های خود مقایسه کنند. در خصوص معیار همسانی، در بخش یافته‌ها تلاش شد تا متناسب با موضوع بحث مکالمات به صورت لفظ به لفظ ارائه شود.

یافته‌ها

از ۲۲ شرکت‌کننده در این مطالعه ۴ نفر سیاستگذار در حوزه علم و فناوری، ۱۰ نفر عضو هیئت علمی و ۸ نفر دانشجوی دکتری (گروه مدیریت، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی و سیاستگذاری علم و فناوری) بودند. برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش تلاش شد تا با مصاحبه‌های عمیق و ممتد در تجربه‌های زیسته مصاحبه‌شوندگان تعمق صورت گیرد. با بررسی و موشکافی و مقایسه مداوم داده‌های برخاسته از زمینه، مفاهیم با توجه به صحبت‌های مصاحبه‌شونده، گاه از یک جمله و گاه از یک پاراگراف استخراج شدند. در مجموع، ۲۷۸ مفهوم به صورت کدهای باز اولیه استخراج و مفاهیم استخراج شده تجمیع و مفهوم‌های مشترک و نامرتب حذف شدند. این اجزا در فرایند دایمی مقایسه، مفهوم‌پردازی و سرانجام، در قالب ۱۱۸

12. Dependability
13. Transferability
14. Credibility

کد نهایی پدیدار شدند (جدول ۱). برای جلوگیری از طولانی شدن بحث فقط به نمونه‌ای از این کدهای نهایی درخصوص هر مقوله اشاره شد. سپس، با تشکیل جلساتی مفاهیم به‌دست آمده از نظر مفهومی و معنایی بازبینی شدند. در پایان فرایند کدگذاری باز در مجموع ۱۴ مقوله مشخص شد که در جدول ۲ به همراه فراوانی تکرار هر مقوله آورده شده است.

جدول ۱: کدگذاری باز داده‌ها

مفاهیم	کدهای نهایی
تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده خطمشی علمی (ساختار جزیره‌ای)	نبودن توافق کلی میان مسئولان علم کشور، نقض قوانین در سازمان‌های مختلف به‌دلیل نبود هماهنگی با معیارهای داخلی آنها، وجود گروه‌های فشار در هر سازمان برای هدایت قوانین به سمت و سوی مورد نظر، موازی‌کاری‌های نهادهای اثرگذار بر سیاست‌های آموزش عالی، نبود تعامل سازنده میان نهادهای اثرگذار در سطح ملی و فراملی
توده‌ای شدن آموزش عالی	تعبیر نادرست توده‌ای شدن آموزش عالی به رشد کمی در تعداد دانشجویان، نبود رشد متناسب بین تعداد دانشجویان با کادر آموزشی، تسهیلات و امکانات رفاهی، وام، پژوهانه و...، گسترش نیافتن آموزش عالی بر مبنای نیاز بازار کار و صرفاً برای افزایش تولیدات علمی، تأسیس رشته‌های دانشگاهی بدون نیازسنجی در سطح استان‌ها
قانون‌گریزی	قانون‌گریز بودن برخی از مسئولان و مدیران و تسری آن به سطوح پایین‌تر، جایگزینی منفعت به جای مصلحت، تسامح در اجرای قوانین، نبود برخورد یکسان با افراد خاطی زمانی که از طبقات اجتماعی متفاوتی برخوردارند.
تمرکزگرایی	نبود استقلال مالی و اداری دانشگاه‌ها، تمرکزگرایی پذیرش دانشجو، جذب اعضای هیئت علمی و ارتقای آنها، وزارت محوری، نقش تصدی‌گری و مداخله دولت به جای نقش ممیزی کیفیت و پشتیبانی مالی، اختیارات محدود و ناچیز هیئت امنا، کم‌رنگ بودن نقش انجمن‌های علمی و انجمن‌های صنفی دانشجویی
توجه به کمیّت به جای کیفیت	تأکید بیش از حد سیاست‌ها به افزایش تولیدات علمی (به‌ویژه مقالات ISI) برای رقابت در صحنه بین‌المللی، تلاش دانشگاهیان برای تزئین رزومه خود به مقالات بیشتر، پیوند پذیرش دانشجویان مقطع دکتری، جذب اعضای هیئت علمی و ارتقای آنها با توجه به تعداد مقالات و تولیدات علمی و نه کیفیت مقالات، ایجاد رقابت ناسالم و متوسل شدن دانشگاهیان به تعداد مدارک علمی - پژوهشی بیشتر حتی بدون کیفیت برای ماندن در صحنه رقابت
افزایش تقاضای جامعه برای آموزش عالی	مدرک دانشگاهی جایگزین مهارت و شایستگی، فروش مدرک دانشگاهی به کارمندان اداری، تنزل کیفیت آموزش با افزایش تقاضا
مدرک‌گرایی	مهم نبودن میزان ارتباط مهارت‌های کسب شده دانشگاهی با حوزه کار و افزایش بهره‌وری در نظام‌های اداری، تبدیل دانشگاه به کارخانه‌های تولید مدرک دانشگاهی، حاکم بودن اصل هر چه مدرک بالاتر، شرایط کاری بهتر، مدرک‌گرا بودن نهادهای اداری و استخدامی و در نتیجه تقاضای اجتماعی فزاینده برای آموزش‌های دانشگاهی

مفاهیم	کدهای نهایی
شکاف بین صنعت و دانشگاه	مغایرت داشتن رشته‌های دانشگاهی با نیازهای صنعت و نیازهای استانی، نبود ارتباط سازنده بین دانشگاه و صنعت، بدبینی مدیران صنعت به آموزش‌های داده شده در دانشگاه، نبود گفت‌وگو بین مدیران صنعت و دانشگاهیان
رویه‌های نادرست نظارت رسمی در دانشگاه‌ها	نقاط ضعف آیین‌نامه ارتقا در ارزشیابی اعضای هیئت علمی (ضعف شاخص‌های کیفی و توجه بیش از حد به شاخص‌های کمی)، نبود نظارت کافی بر پایان‌نامه‌های دفاع شده دانشجویان، ضعف نرم‌افزارهای همانندیاب و وجود نداشتن بانک اطلاعاتی یکپارچه برای سنجش و ارزشیابی تولیدات علمی
تنزل آموزش	اداره کلاس‌های درس به صورت کنفرانس به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، ابا نداشتن مدرسان از حضور در کلاس‌های درس در مقاطع بالا بدون تجربه لازم، پایین بودن نمره آموزش حتی در دانشگاه‌های برتر ما که در رنکینگ جهانی مجله تایمز حضور دارند، تأسیس رشته‌های دانشگاهی بدون در نظر گرفتن کادر آموزشی مناسب، معطوف شدن نمره دانشجویان به ترجمه یک یا چند مقاله و ترجمه آن در کلاس
رسوایی علمی محققان در صحنه‌های بین‌المللی	باور نداشتن نتایج تحقیقات واقعی کشور فقط به دلیل وجود جو غیر اخلاقی علمی، سرخوردگی محققان جوان و با انرژی برای صرف وقت در حوزه‌های بنیادی علم، تلاش جامعه بین‌المللی برای سوءاستفاده از ضعف اخلاق علمی ایران به‌عنوان یک ابزار فشار سیاسی
رنگ باختن اخلاق فردی و حرفه‌ای	فرو ریختن قبح فساد که ابتدا اخلاق فردی را نشانه می‌رود، رنگ باختن ارزش‌های صداقت، دانش‌اندوزی و درستکاری در جامعه، حاکم شدن جو خودخواهی و جاه طلبی میان افراد جامعه
پیامدهای منفی اقتصادی	افت کیفیت آموزشی و پژوهشی در اثر انحراف بودجه‌ها و اعتبارات، رواج بی‌اعتمادی و بدبینی درخصوص نظام آموزش عالی، افزایش هزینه‌های تعلیم و تربیت و پیامدهای اقتصادی آن برای خانواده‌ها، افزایش بیکاری ناشی از نبود تطابق تعداد دانش‌آموختگان با نیاز بازار کار و هدر رفتن هزینه‌هایی که افراد متحمل شدند
پایین آمدن رفاه کلی جامعه	بی کیفیت بودن برنامه‌های آموزشی، نبود شایستگی در دانش‌آموختگان دانشگاهی، ترویج نظام بدون شایسته‌سالاری در سیستم‌های اداری کشور، نبود توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی در کشور

جدول ۲- فراوانی مقوله‌های حاصل از کدگذاری باز

۱۱	شکاف بین صنعت و دانشگاه	۱۹	تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده خطامشی علمی
۷	رویه‌های نادرست نظارت رسمی در دانشگاه‌ها	۴	قانون‌گریزی
۹	تنزل آموزش	۸	تمرکزگرایی
۴	رسوایی علمی محققان در صحنه‌های بین‌المللی	۷	توده‌ای شدن آموزش عالی
۴	رنگ باختن اخلاق فردی و حرفه‌ای	۱۱	توجه به کمیت به جای کیفیت
۱۰	پیامدهای منفی اقتصادی	۹	افزایش تقاضای جامعه برای آموزش عالی
۵	کاهش رفاه کلی جامعه	۱۰	مدرک‌گرایی

طی کدگذاری محوری با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان این مقوله‌ها و همچنین در نظر گرفتن پارادایم مدل، به تحلیل و تقلیل مقوله‌ها اقدام شد. بدین ترتیب، در کدگذاری محوری چهار مقوله مفهوم‌پردازی شد که بر اساس پارادایم مدل می‌توان آنها را به‌صورت شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و پیامدها نشان داد (جدول ۳).

جدول ۳- مقوله‌های حاصل شده بر اساس مدل پارادایم

مدل پارادایم	مقوله‌ها در پایان کدگذاری محوری	مقوله‌ها در پایان کدگذاری باز
شرایط علی	ضعف ساختار سیاستگذاری و اجرایی	تعدد نهادهای سیاستگذار، تمرکزگرایی، توجه به کمیّت، قانون‌گریزی، توده‌ای شدن آموزش عالی
راهبردها	ضعف ساختار اداری	مدرک‌گرایی، افزایش تقاضا برای آموزش عالی
شرایط زمینه‌ای	نبود تفکر و برنامه‌ریزی استراتژیک	تنزل آموزش، شکاف بین صنعت و دانشگاه، رویه‌های نادرست نظارت
پیامدها	کاهش کارایی و اثربخشی	رنگ باختن اخلاق فردی و حرفه‌ای، رسوایی علمی محققان، پیامدهای منفی اقتصادی، کاهش رفاه

در ادامه چگونگی شکل‌گیری هر یک از مقوله‌های یادشده و ابعاد آنها با ذکر نقل‌قول‌هایی از مشارکت‌کنندگان ارائه شده است.

الف. ضعف در ساختار سیاستگذاری و اجرایی

در این مطالعه ضعف در ساختار سیاستگذاری با عنوان پنج زیرمجموعه تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده خط‌مشی علمی، تمرکزگرایی، توده‌ای شدن آموزش عالی، توجه به کمیّت به جای کیفیت و قانون‌گریزی بررسی شد که به قرار زیر است:

۱. تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده خط‌مشی علمی: تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده موردی بود که بیشتر مشارکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند. نهادهایی که هر کدام متناسب با وظایف خود، به‌صورت جزیره‌ای و پراکنده اقداماتی را انجام می‌دهند که نبود تعامل مناسب و پویا میان آنها گاهی به موازی‌کاری و گاهی به کم‌کاری و ضعف در برخی موارد همچون توجه ناکافی به حقوق مالکیت فکری و ضعف قوانین و مقررات موجود در این زمینه منجر می‌شود. توصیف مشارکت‌کننده شماره ۱۷ در این باره این‌گونه است: «با موازی‌کاری‌های نهادهای تأثیرگذار بر سیاست‌های آموزش عالی مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ... روبه‌رو هستیم. هیچ تعامل سازنده و همکاری به دربخوری بین این نهادها در سطح ملی و فراملی وجود نداشته و هر نهادی بر اساس شرح وظایفش اقداماتی را انجام داده است». مشارکت‌کننده شماره ۹ گفته است: «آموزش عالی متأسفانه، با حجم زیادی از نهادهای تصمیم‌گیرنده

مواجه است و هیچ‌کدام هم به آن یکی کاری ندارد، به همین خاطر است که بعضی وقت‌ها در مواردی قانون زیاد داریم و بعضی وقت‌ها با کمبود قوانین روبه‌رو هستیم، مثل مسئله حقوق مالکیت فکری که خیلی ضعیف عمل می‌کنیم».

۲. تمرکزگرایی: نبود استقلال مدیریتی و برنامه‌ریزی در نهاد آموزش عالی از دغدغه‌هایی بود که بیشتر مشارکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند. مشارکت‌کننده شماره ۵ چنین گفته است: «نهادهای مسئول در امر آموزش عالی در ریز و درشت مسائل مثل جذب و پذیرش دانشجو، انتخاب و انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها، برنامه‌ریزی و محتوای دروس، ایجاد رشته‌های مختلف به‌خصوص در دوره‌های تحصیلات تکمیلی حتی در دورترین استان‌های جنوبی کشور بدون نیازسنجی بازار کار، در نظر گرفتن امکانات آن استان‌ها و ... را همگی خودشان انجام می‌دهند و دانشگاه‌ها هیچ استقلالی ندارند».

۳. توده‌ای شدن آموزش عالی (گسترش کمی آموزش عالی): در راستای سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، نظام آموزش عالی بعد از سال ۱۳۸۴ به بعد با تغییر روند آموزش عالی به سمت توده‌ای شدن (به‌ویژه گسترش تحصیلات تکمیلی با توجه به تأکیدی که بر تولید مقالات به‌ویژه مقالات ISI شد)، تأسیس دانشگاه‌های جدید و میزان پذیرش دانشجو را افزایش داد؛ اما گسترش کمی آموزش عالی نه بر مبنای نیازهای بازار کار، بلکه صرفاً برای افزایش تولیدات علمی در سطح تحصیلات تکمیلی صورت گرفت. مشارکت‌کننده شماره ۱۳ این‌گونه بیان کرده است: «توده‌ای شدن آموزش عالی ما نه تنها بر اساس نیازهای بازار کار و بخش‌های مختلف صنعت‌مان نبوده، بلکه صرفاً برای رقابت در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی بوده و هدفمان افزایش تولیدات علمی بوده، آن‌هم نه تولیدات علمی با کیفیت، تعداد مقالات آن‌هم تأکیدمان روی تولید مقالات ISI، برای رسیدن به این منظور ما به همه انواع دانشگاه‌های دولتی، غیردولتی و غیرانتفاعی، آزاد و علمی - کاربردی و پیام نور متوسل شدیم و به یکباره بدون در نظر گرفتن کادر علمی، تجهیزات و تسهیلات مورد نیاز رشته‌های مختلف فقط و فقط ظرفیت را بالا بردیم، حالا به این مهم رسیدیم که بیش از ۱،۵ درصد مقالات دنیا را تولید می‌کنیم، ولی آیا این مقالات بجز در اندک حوزه‌هایی، تولید دانش داشته؟ آیا مشکلات جامعه و صنعت ما را حل کرده؟ آیا مشکل بی‌آبی، خشکسالی فراگیر در کشور و ریزگردها در شهرهای جنوبی مثل اهواز حل شده؟ آیا مشکل آلودگی تهران حل شده؟ دانشگاهی که مشکل جامعه را حل نکند، اصلاً به چه دردی می‌خورد».

۴. توجه به کمیّت به جای کیفیت: تفاسیر نادرست از سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه و اتخاذ سیاست‌هایی در جهت نیل به اهداف این اسناد بالادستی به این منجر شده است که آموزش عالی در تلاش برای رسیدن به رتبه اول در منطقه، به‌سرعت و بدون توجه به ظرفیت‌های واقعی به سمت افزایش تعداد دانشجویان، افزایش تعداد مقالات ISI و علمی - پژوهشی پیش برود و کیفیت را قربانی کمیّت کند و در ورود دانشجو به دوره‌های دکتری، جذب و ارتقای اعضای هیئت علمی اصل بر تعداد پژوهش‌ها و نه کیفیت آن گذاشته شود و همین امر موجب ایجاد رقابت ناسالم در افراد شده است. مشارکت‌کننده شماره ۸ گفته

است: «تا وقتی که ورود به مقاطع بالا برای هر کسی ممکن نبود و تنها افراد شایسته و نخبه وارد مقاطع ارشد یا دکتری می‌شدند، طبیعتاً در مرحله جذب هم مشکلی نبود، ولی با گسترش تعداد دانشگاه‌ها و پذیرش بیش از حد در دوره تحصیلات تکمیلی، برای جذب اینها به مشکل برخوردیم و مجبور به تعیین و به‌کار بردن شاخص‌های کمی مثل تعداد مقالات و کتاب و ... شدیم».

۵. قانون‌گریزی: قانون دو بعد مصلحت و منفعت دارد که بحث مصلحت در امور کلان جامعه مطرح است و بر اساس مصالح کشور این قوانین وضع می‌شوند، اما در مبحث منفعت شاید قانون مزاحم باشد. معضل زمانی شکل می‌گیرد که مصلحت جای خود را به منفعت بدهد و عده‌ای به خاطر منافع خود قانون را زیر پا بگذارند و این بحث درخصوص قانون‌گریزی درباره مدیران رده‌های بالاتر خطرناک‌تر است، چرا که با تخطی از قانون مجوز قانون‌گریزی را برای افراد سطوح پایین‌تر صادر می‌کنند. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ بیان کرده است: «قانونی داریم به نام منع اشتغال کارگزاران به تحصیل، ولی متأسفانه، می‌بینید این قانون از زمانی که تصویب شده تا کنون خیلی کارآمدی لازم را نداشته، بیشترین گرفتاری آموزشی ما با افرادی است که دارای مناصب هستند و احتمالاً شاغل در دانشگاه‌ها و در واقع، اشکال ما این است که شهامت برخورد با این افراد را نداریم و اگر جایی هم برخورد کردیم، به آن صبغه سیاسی دادند».

ب. ضعف در ساختار اداری

مفاهیم مدرک‌گرایی و افزایش تقاضای جامعه برای آموزش عالی با عنوان ضعف ساختار اداری مشخص شدند. این مفاهیم شرایطی هستند که تأثیر شرایط کاستی‌های ساختار سیاستگذار و مجری را شدت می‌بخشند که به قرار زیر است:

۱. مدرک‌گرایی: نهادهای اداری، اقتصادی، حکومتی و دوایر دولتی که استخدام‌کننده هستند، بر گرایش به مدرک‌گرایی تأثیر زیادی دارند. چرا که نظام اداری با ویژگی‌های غیرشایسته‌سالارانه که برای ارتقا ضروری می‌داند، اجازه چنین کاری را به آنها می‌دهد. مشارکت‌کننده شماره ۱۱ گفته است: «می‌بینید که بیشتر سازمان‌های دولتی مدرک را به جای شایستگی افراد ملاک قرار می‌دهند و اصل هرچه مدرک بالاتر، بهتر آنجا حاکم شده، پس افراد هم برای گرفتن مدرک به سمت دانشگاه‌ها هجوم می‌برند و به هر طریقی! حاضرند مدرک بگیرند».

۲. افزایش تقاضای جامعه برای آموزش عالی: چندین شرکت‌کننده معتقد بودند که یکی از تبعات نبود شایسته‌سالاری در نظام اداری و دوایر استخدام‌کننده افزایش تقاضای جامعه برای آموزش عالی است. به همین دلیل انواع مختلف دانشگاه‌های آزاد و پیام نور و غیر انتفاعی شکل گرفتند و به سرعت تکثیر شدند. این دانشگاه‌ها کمترین وابستگی مالی را به دولت داشتند و به همین دلیل دولت نه تنها مانع شکل‌گیری آنها نشد، بلکه به دلیل کسری بودجه، دانشگاه‌های دولتی هم به آنها پیوستند. مشارکت‌کننده شماره ۶ در این خصوص چنین گفته است: «در یک چرخه اشتباه داریم حرکت می‌کنیم. وقتی عدم شایسته‌سالاری در نهادهای اداری رواج پیدا کند و مثلاً مدرک دانشگاهی ملاک استخدام، ارتقا و افزایش حقوق قرار بگیرد،

خوب مسلم است که مردم هم تقاضاشون برای آموزش عالی بیشتر می‌شود، از آن طرف دانشگاه‌ها افزایش پیدا می‌کنند و به جای اینکه خدمات آموزشی و پژوهشی به صنعت بدهند، آن را به مردم جامعه می‌فروشند و از این راه هزینه‌های خودشان را پوشش می‌دهند و افرادی که شایستگی لازم را دارند، صرفاً برای گرفتن مدرک وارد دانشگاه می‌شوند. خوب اینها نتیجه‌اش می‌شود فساد دیگه».

ج. نبود تفکر استراتژیک و برنامه‌ریزی استراتژیک برای دانشگاه‌ها

۱. تنزل آموزش: مشارکت‌کننده‌ای اظهار کرد که با سیاستگذاری نادرست که پژوهش‌های تزیینی و تولید مدارک علمی - پژوهشی مقدم بر آموزش شود و برای سنجش صلاحیت دانشجویان و استادان هنگام جذب ارزشیابی دقیقی صورت نپذیرد، نتیجه‌ای جز دانشجویان بی‌کفایت و استادان غیرآماده در پی نخواهد داشت؛ یعنی کادر آموزشی برای تدریس آماده نیستند و کلاس‌ها را به‌ویژه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی به شیوه کنفرانسی اداره می‌کنند و نمره دانشجویان را به ترجمه یک یا چند مقاله و ارائه آن در کلاس معطوف می‌کنند. نظر مشارکت‌کننده شماره ۱۷ این‌گونه است: «بهترین دانشگاه‌های ایران که در رنکینگ جهانی تایمز آمده‌اند نیز در شاخص آموزش نسبت به دانشگاه‌های برتر دنیا نمره بسیار پایینی دارند، حالا فکر کن وضعیت بقیه دانشگاه‌های معمولی کشور چیه! دانشگاه‌ها شرایط مطلوبی به لحاظ آموزشی برای پذیرش دانشجو ندارند، کادر آموزشی مناسبی ندارند، ولی مرتب رشته‌های جدید تأسیس می‌شود، آن هم در مقطع دکتری!».

۲. شکاف بین صنعت و دانشگاه: هماهنگ نبودن رشته‌های دانشگاهی در هر استان با توجه به منابع استانی و نیاز بازار کار و صنایع آن استان، نبود آموزش‌های مورد نیاز صنعت به دانشجویان، بی‌اعتمادی مدیران صنعت به دانشگاهیان برای سپردن مشکلات صنعت به آنها و برگزار نشدن همایش‌ها و سمینارهایی با حضور صنعت و دانشگاه برای برقراری پیوند این دو نهاد از جمله مواردی بود که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند. اگر دانشگاه و صنعت همگرا شوند، بسیاری از زمینه‌های بالقوه بروز فساد دانشگاهی کاهش می‌یابد، صنایع در دانشگاه‌ها هزینه می‌کنند و دانشگاه در مقابل تحقیق کاربردی انجام می‌دهد و نیروی انسانی متخصص برای صنعت تربیت خواهد کرد، بیکاری کاهش می‌یابد و سرمایه‌گذاری انجام شده به بار خواهد نشست. توصیف مشارکت‌کننده شماره ۱۷ در این خصوص این‌گونه است: «دانشگاهیان باید نظر مدیران صنعت را به خودشان جلب کنند، باید بتوانند مشکلات آنها را در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی حل کنند، بخش ارتباط با صنعت دانشگاه‌ها باید نهایت تلاششان را برای برقراری ارتباط با صنعت بکنند تا از این طریق هم برای دانشگاه، اعضای هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی درآمدزایی کنند و هم وقتی قرار باشد دانشجو مشکلات صنعت را حل بکند، دیگه تقلب، کپی‌برداری و از زیر کار رفتن معنا ندارد».

۳. رویه‌های نادرست نظارت رسمی در دانشگاه‌ها: در دانشگاه‌ها برای ارزیابی کیفیت تدریس استادان به نظرخواهی از دانش‌آموختگان و دانشجویان در پایان هر سال اکتفا می‌شود و کمیت تدریس (تعداد واحدهای

تدریس شده در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) ملاک مهمی برای ارزشیابی و در نهایت، ارتقای مرتبه استادان است. از نظر پژوهشی نیز طبق آیین‌نامه ارتقا بر کمیّت - نه کیفیت - کارهای پژوهشی استادان بیش از حد تأکید می‌شود. همچنین دانشگاه‌ها نظارت چندانی بر پایان‌نامه‌های نوشته‌شده دانشجویان هنگام دفاع ندارند و متأسفانه، نرم‌افزارهای همانند یاب هم بسیار ضعیف هستند، چرا که بانک اطلاعاتی یکپارچه‌ای وجود ندارد. مشارکت‌کننده شماره ۱۶ در این خصوص گفته است: «در دانشگاه‌ها نظارت کافی بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها نمی‌شود و اصلاً بر روی معیارهای اخلاقی در نگارش آنها تأکید نمی‌شود. این پایان‌نامه‌ها به لحاظ مواردی چون سرقت علمی مورد بررسی قرار نمی‌گیرند، حتی در صورت تشخیص موارد داده‌سازی و انواع مختلف سرقت علمی توسط استادان داور این موارد اصلاً گزارش نمی‌شود».

د. پایین آمدن کارایی و اثربخشی سیستم

در این مجموعه مفاهیم رنگ باختن اخلاق فردی و حرفه‌ای، پیامدهای منفی اقتصادی، رسوایی علمی محققان در صحنه‌های بین‌المللی و پایین آمدن رفاه کلی جامعه از داده‌ها اقتباس شدند که به قرار زیرند:

۱. رنگ باختن اخلاق فردی و حرفه‌ای: اگر نهاد آموزش عالی دچار فساد شود، با هدف قرار دادن اخلاق فردی ریشه ارزش‌هایی چون صداقت، درستکاری و امانتداری را در افراد جامعه می‌خشکاند و جوّ اخلاقی خودخواهانه را رواج می‌دهد که بر منافع شخصی به جای منافع جمعی تمرکز دارد. مشارکت‌کننده شماره ۱ در این خصوص گفته است: «دانشجویان به جای دانش‌اندوزی و تولید دانش به کپی‌برداری متون بی محتوا روی می‌آورند، داده‌ها را جعل می‌کنند و دستکاری آماری انجام می‌دهند. در چنین جوّی اگر کسی بخواهد سالم بماند یا حذف می‌شود یا برای حذف نشدن مجبور می‌شود به ساخت و پاخت‌های فاسد روی بیاورد».
۲. پیامدهای منفی اقتصادی: فساد تأثیر منفی بر کیفیت دارد. در صورتی که دانشگاه‌ها افرادی با صلاحیت و کیفیت پایین بپذیرند، دانشگاه و مدارک دانشگاهی می‌تواند به کالایی گران‌قیمت، ولی با کیفیت پایین تبدیل شود. فساد افزایش رقابت سالم داخلی را در محیط‌های دانشگاهی محدود می‌سازد. از آنجا که صداقت نتیجه اثبات نبود تخطی و تخلف است، دانشگاه مظنون به فساد نفوذ و قدرت دانشجویان خود را در بازار کار کاهش می‌دهد. مشارکت‌کنندگان شماره ۷ چنین گفته است: «به وضوح قابل مشاهده است که بخش صنعت هیچ اعتمادی به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ندارند، ترجیح می‌دهند افرادی را برای کار استخدام کنند که تجربه کافی و مهارت لازم برای انجام آن داشته باشند. آن وقت می‌بینیم که تعداد بیکاران تحصیل‌کرده افزایش پیدا می‌کند؛ یعنی مدرک می‌شود یک کالای گران‌قیمت که هیچ بازدهی هم ندارد، یک عده مدرک گرفته بیکار که فقط هزینه سنگین را به خانواده‌هاشان تحمیل کردند».
۳. رسوایی علمی محققان در صحنه‌های بین‌المللی: مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند هنگامی که جوّ غیراخلاقی در جامعه دانشگاهی رواج پیدا کند، نتایج تحقیقات واقعی نیز باورپذیر نیست و جوامع علمی

بین‌المللی به تولیدات علمی ما بدبین خواهند شد، فرصت ادامه تحصیل جوانان و نخبگان ما در دانشگاه‌های بین‌المللی کاهش می‌یابد و محققان جوان ما برای صرف وقت در حوزه‌های بنیادی علم بی‌انگیزه خواهند شد و حتی ممکن است جامعه بین‌المللی از این ضعف اخلاق علمی ایران به‌عنوان یک ابزار فشار سیاسی استفاده کند. مشارکت‌کننده شماره ۱۹ چنین اظهار داشته است: «می‌بینید که هم در سال جاری و هم در سال‌های گذشته اخباری مبنی بر تخلفات علمی پژوهشگران داخلی در معتبرترین نشریات دنیا از جمله نیچر و ساینس گزارش شده و این دنیا را نسبت به جامعه علمی ما بدبین می‌کند، دیگر اگر تحقیق درستی هم بشود، از ما نمی‌پذیرند و با شک و تردید به آن نگاه می‌کنند».

۴. پایین آمدن رفاه کلی جامعه: مشارکت‌کننده‌ها معتقد بودند که ترویج فرهنگ نبود شایسته‌سالاری و یک نظام معنایی نادرست به این منجر می‌شود که مدرک می‌تواند جبران تمام ناکارآمدی‌های فرد در سیستم شود. در جامعه‌ای که مدرک ارزش و اهمیت زیادی پیدا می‌کند، فرهنگ نبود شایسته‌سالاری در آن رشد می‌یابد و به تدریج با سیستم عجین می‌شود. در نتیجه فساد در آموزش عالی از ورود افراد شایسته به آموزش عالی ممانعت می‌شود و بدین ترتیب، مانع از سهیم شدن شایستگان در فرایند رشد و توسعه کشور، قرار گرفتن مناصب مهم در دست دانش‌آموختگان بدون صلاحیت و حضور افراد نالایق در مناصب مهم و موجب کندی توسعه اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه، کاهش رفاه کلی جامعه خواهد شد. مشارکت‌کننده شماره ۲۱ گفته است: «متأسفانه، افراد فاقد شایستگی‌های لازم وارد سیستم آموزش عالی می‌شوند، همین افراد کسانی هستند که بعدها پست‌های مهم می‌گیرند و البته، فکر هم می‌کنند که این مدرک می‌تواند جبران همه بی‌کفایتی‌های آنها در سیستم بشود، خوب پیامدش چیه؟ عدم توسعه و عقب ماندگی».

بحث و نتیجه‌گیری

دانشگاه و نهاد علم یکی از نهادهای اصلی اصلاح جامعه و مبارزه با فساد به‌شمار می‌رود و لذا، یکی از کارکردهای اصلی و اساسی این نهاد ارائه الگوی تعامل سالم و سازنده میان اعضای جامعه، تربیت آینده‌سازان هر کشور مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی و تندرستی و حساس کردن آنها به پدیده فساد و مبارزه با فساد است. وقتی دانشگاه و نهاد علم به فساد مبتلا می‌شود و فساد در آن گسترش می‌یابد، سخن نگفتن در این خصوص غیرمسئولانه خواهد بود، چرا که پیامدهای آن گسترده و بعضاً بسیار خطرناک است. در واقع، فساد در نهاد علم می‌تواند از طریق کاهش اعتماد عمومی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی تضعیف کند. از این رو، شناسایی دلایل و ریشه‌های فساد دانشگاهی می‌تواند در سیاست‌گذاری صحیح برای نظام آموزش عالی کمک شایانی بکند. در این مطالعه تلاش شد تا به چهار سؤال درباره شرایط علی، زمینه‌ها، استراتژی‌ها و پیامدهای فساد دانشگاهی پاسخ داده شود. پاسخگویی به این سؤالات بر مبنای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه با خبرگان حوزه آموزش عالی بود. با بررسی و موشکافی و مقایسه مداوم داده‌های برخاسته از زمینه، در مجموع ۲۷۸ مفهوم به‌صورت کدهای باز اولیه استخراج شدند. مفاهیم

استخراج شده تجمیع و مفهوم‌های مشترک و نامرتب حذف و سرانجام، در قالب ۱۱۸ کد نهایی پدیدار شدند. در پایان فرایند کدگذاری باز در مجموع ۱۴ مفهوم یکتا مشخص شد. این مفاهیم بر اساس فرایند کدگذاری محوری در چهار محور اصلی قرار گرفتند: الف. ضعف در ساختار سیاستگذاری و اجرایی (شرایط علی)؛ ب. ضعف در ساختار اداری (محیط و زمینه)؛ ج. نبود تفکر و برنامه‌ریزی استراتژیک (راهبردها)؛ د. کاهش کارایی و اثربخشی (پیامدها). با توجه به نتایج به دست آمده تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده خط‌مشی علمی و توجه به کمیت به جای کیفیت در بعد ضعف در ساختار سیاستگذاری و اجرایی، مدرک‌گرایی در بعد ضعف ساختار اداری و شکاف بین صنعت و دانشگاه در بعد نبود تفکر و برنامه‌ریزی استراتژیک مهم‌ترین دلایل فساد دانشگاهی به‌شمار می‌روند. همچنین طبق نظر مشارکت‌کنندگان پیامدهای منفی اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین پیامد فساد دانشگاهی مشخص شد.

بر اساس داده‌های به دست آمده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان و تجزیه و تحلیل مستمر و مقایسه‌ای آنها، می‌توان بیان کرد که ضعف ساختار اداری کشور ما را با پدیده مدرک‌گرایی و نبود شایسته‌سالاری در نهادها و دوایر دولتی استخدام‌کننده روبه‌رو کرده است که این یافته پژوهش با نتایج تحقیق قهرمانی و رحیمی (Ghahramani & Rahimi, 2013) همسو است. به اعتقاد آنها نظام اداری هر جامعه بازوی اجرایی نظام سیاستگذاری آن جامعه است و عملکرد درست یا نادرست آن می‌تواند نظام سیاسی را تداوم بخشد یا از مشروعیت بیندازد و بنابراین، توجه بنیادی به نظام اداری هر جامعه و آسیب‌شناسی دقیق آن می‌تواند کمک بزرگی به سیاستگذاران آن جامعه باشد که با تشخیص به موقع بتوانند به راه‌حل‌های لازم بیندیشند. نظام اداری ایران، علی‌رغم ظاهر مدرن خود، قادر به ایفای کارکردهای یک نهاد مدرن در جامعه نیست و ناکارا و ناسالم بودن نظام اداری مشکلی اجتماعی است؛ یعنی مدیران، کارکنان و ارباب رجوع به خوبی وضعیت بیمارگونه را حس می‌کنند. در چنین فضایی نبود شایسته‌سالاری پرورش می‌یابد و نتیجه‌ای جز کاهش کارایی و اثربخشی جامعه ندارد. لذا، این فساد در ساختار اداری کشور از جمله عوامل مختل‌کننده ارائه خدمات عمومی سایر نهادها از جمله نهاد دانشگاه است. همچنین در یافته‌های پژوهش‌های قلی‌پور و همکاران (Gholipour et al., 2009) و زمانی و همکاران (Zamani et al., 2013) به مدرک‌گرایی به‌عنوان یکی از دلایل گسترش فساد آکادمیک اشاره شده است.

از دیگر یافته‌های مهم این پژوهش ضعف در ساختار سیاستگذاری نظام آموزش عالی است که ما را در مقابله با پدیده فساد دانشگاهی دچار مشکلات فراوان ساخته است. نهادهای تصمیم‌گیرنده در نظام آموزش عالی متعدد هستند - که هر کدام بر اساس شرح وظایف خود قوانینی وضع می‌کنند- و همچنین نبود تعامل پویا و سازنده میان آنها ما را در مواجهه با پدیده فساد دانشگاهی دچار مشکلات فراوانی ساخته است. همچنین تمرکزگرایی، گسترش کمی آموزش عالی و قانون‌گریزی از دیگر عللی هستند که در این مطالعه به‌عنوان دلایل گسترش فساد دانشگاهی به دست آمد.

باید توجه داشت که اتخاذ یک سیاست نادرست یا یک تعبیر نادرست از اسناد بالادستی کشور می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشد. برای مثال، سیاست گسترش آموزش عالی را که قاطبه مشارکت‌کنندگان

به آن اشاره داشتند، در نظر بگیریم؛ اگرچه گسترش امری معمول در بسیاری از کشورهای دنیاست، اما وضعیت در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در این باره متفاوت است (Altbach, 2016)؛ بررسی روند آموزش عالی در کشور ایران نشان می‌دهد که از دهه ۸۰ گسترش آموزش عالی سیر صعودی داشته است و در سال ۱۳۹۰ از متوسط جهانی هم فراتر رفته (Hemati, 2013). اما زمینه‌های لازم برای این گسترش کمی فراهم نیامده است. ضعف و کاستی‌های موجود در دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان موجب می‌شود که صنایع ما توان بالایی در جذب و به‌کارگیری دانش‌آموختگان دانشگاهی و استفاده از دانش آنها نداشته باشند و چون نیروی متخصص بر مبنای نیاز بازار پرورش نیافته است، صنایع خود را بی‌نیاز از دانشگاه می‌دانند و همگرایی لازم بین آنها شکل نگرفته است که نه صنعت در امر پژوهش هزینه می‌کند و نه دانشگاه به انجام دادن پژوهش‌های کاربردی و منطبق با نیاز صنعت تشویق می‌شود. دانشگاه‌ها برای تأمین کسری بودجه خود به ناچار به سمت برگزاری دوره‌های شبانه، غیرانتفاعی، پیام نور و ... روی آورده‌اند که خود زمینه را برای گسترش فساد بالقوه فراهم آورده است؛ معیارهای سنجش کیفیت دانشجویان انعطاف‌پذیرتر شده است و خروجی این دانشگاه‌ها مرغوبیت کمتری دارد، رواج مدرک‌گرایی، کمی‌گرایی آموزش عالی و زوال کیفیت، بی‌انگیزگی دانشجویان، بیکاری دانش‌آموختگان، به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده برای نظام آموزش عالی، فشار کاری بیشتر بر استادان و به‌طور کلی، زایل شدن هویت دانشگاهی و بدبین شدن جامعه به کارکرد نظام آموزش عالی از جمله عواملی هستند که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند.

نتایج مطالعه ذاکر صالحی (Zaker Salehi, 2011) و فراس‌تخواه (Farasatkah, 2008) حاکی از آن است که وجود نهادهای متعدد تصمیم‌گیرنده در فضای آموزش عالی و همچنین شفاف نبودن تمایز بین مرز سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری باعث تشویش اوضاع می‌شود و نتیجه‌ای جز به هدر رفتن و انحراف اندک بودجه آموزشی و پژوهشی نخواهد داشت؛ یومینت (Yomint, 2010)، مدیر سابق بخش کشورهای توسعه‌یافته در بانک جهانی، معتقد است که در صورت فراهم بودن سه شرط احتمال وقوع فساد به شدت افزایش می‌یابد: ۱. وجود تعداد بسیار زیاد قوانین و مقررات دست و پاگیر و بخشنامه‌های فرمایشی و اثرگذاری منفی مضاعف این قوانین و مقررات دست و پاگیر در شرایطی که به صورت غیرشفاف، گزینشی، تبعیض‌آمیز و پیچیده به مرحله اجرا درآیند؛ ۲. اعطای اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری و تفسیر بیش از اندازه به مجریان و ناظران؛ ۳. نبود مکانیزمی مؤثر و مشخص برای پاسخگو کردن و مسئولیت‌پذیر کردن مجریان و ناظران. این نتایج با تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده و قانون‌گریزی یافته‌های پژوهش حاضر هماهنگ است. نتایج این تحقیق نشان داد که فساد دانشگاهی به خدشه‌دار شدن اخلاق فردی و حرفه‌ای منجر می‌شود که این نتایج با یافته‌های رومیانسوا (Rumyantseva, 2005) مبنی بر اینکه فساد آموزشی و پژوهشی علاوه بر اینکه اعتبار و اعتماد عمومی و کیفیت آموزش و پژوهش را در آموزش عالی خدشه‌دار می‌کند، به جوانان یاد می‌دهد تا غیر حرفه‌ای عمل کنند و باورها و فرهنگ مخرب را در آنان تشویق می‌کند، همخوانی دارد. نتایج تحقیق هینمن (Heyneman, 2011, 2013) که پایین آمدن کارایی و اثربخشی، پیامدهای منفی اقتصادی،

پایین آمدن رفاه کلی جامعه (به دلیل اثرگذاری منفی بر کیفیت برنامه‌های آموزشی و صلاحیت‌ها و شایستگی‌های دانش‌آموختگان دانشگاهی) به‌عنوان پیامدهای منفی فساد در آموزش عالی بر شمرده و تأکید شده است که فساد آموزش و پرورش نسبت به فساد بوروکراتیک (اداری) معمول اثرهای زیانبار بیشتری در جامعه دارد، با یافته‌های پژوهش حاضر هماهنگ است. اوسپیان (Osipian, 2012)، دنیسوا اشمیت و همکاران (Denisova-Schmidt, 2016) و حالاک و پواسون (Hallak & Poisson, 2007) نیز از پیامدهای منفی اقتصادی و اخلاقی در انسجام اجتماعی به‌عنوان نتایج فساد دانشگاهی یاد کرده‌اند که با یافته‌های پژوهش حاضر همسویی دارد.

از دیگر پیامدهای فساد که از فرایند تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش به‌دست آمد، رسوایی علمی محققان در صحنه بین‌المللی است که این یافته با نتایج تحقیقات دنیسوا اشمیت و همکاران (Denisova-Schmidt, 2017) و لیندندر Schmidt et al., 2016) دنیسوا اشمیت (Chapman & Lindner, 2016) همخوانی دارد. آنها معتقدند که در سطح بین‌المللی حوزه دیپلماسی علمی نیز در سال‌های اخیر محل بحث‌های زیادی بوده است و تا زمانی که جو اعتماد به رعایت اخلاق در علم یک کشور به‌وجود نیاید، قدرت چانه‌زنی برای صدور نتایج نوآوری بسیار پایین خواهد بود.

پیشنهادها

برخی از توصیه‌های سیاستی برای مبارزه با عوامل مؤثر بر فساد دانشگاهی پیشنهاد می‌شود:

۱. طراحی نگاهت نهادی جدید با هدف تفکیک وظایف و ادغام نهادهای مکرر و موازی سیاستگذار (قانونگذار) در آموزش عالی و ایجاد تعامل هدفمند و پویا میان این نهادها و لزوم پاسخگویی به نهادهای رسمی قانونگذار و نهادهای نظارتی؛
۲. اعطای استقلال مدیریتی، مالی و اداری کافی به آموزش عالی برای دنبال کردن رژیم‌های خط‌مشی معقولانه و پیروی از سیاست‌های واحد که با جابه‌جایی دولت‌ها و تغییر فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دستخوش تغییر نشود؛
۳. فعال شدن نهادهایی که به فضای آموزش عالی نزدیک‌ترند و مشارکت آنان در پیشنهاد و تدوین قوانین و مقررات مانند شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، هیئت امنای یا شورای مرکزی دانشگاه‌ها که می‌تواند احیا شود؛
۴. ایجاد دفاتر مالکیت فکری در دانشگاه‌هایی (همانند بسیاری از کشورهای توسعه یافته) که آموزش‌های لازم را به دانشجو می‌دهند و پایان‌نامه آنها را کنترل و صداقت علمی آن را بررسی می‌کنند و همچنین تدوین قوانین برای تسهیل و شفاف‌سازی حقوق متقابل تولیدکنندگان، انتقال دهندگان و استفاده‌کنندگان از دانش و فناوری؛

۵. ایجاد تقاضای مؤثر برای خدمات دانشبر از طریق حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و همچنین تقویت دوره‌های تحصیلات تکمیلی با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری با اولویت نیاز صنعت و بازار کار به‌منظور جذب اعتبارات پژوهشی این بخش؛
۶. اصلاح هرم هیئت علمی تمام‌وقت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی و غیردولتی با فراهم آوردن زمینه‌های لازم و با تأکید بر شایسته‌سالاری؛
۷. کمک دولت به استقلال مالی دانشگاه‌ها از طریق تسهیل ارتباط آنها با دستگاه‌های اجرایی از جمله صنعت، پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد از طریق دستگاه‌های اجرایی برای کسب درآمد دانشگاه از صنعت؛
۸. فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای اجرای برنامه آمایش آموزش عالی با هدف محدود ساختن توسعه کمی سطوح پایین آموزش عالی به نفع سطوح بالاتر و ارتقای سطح کیفی مؤسسات آموزش عالی و مراکز پژوهشی و فناوری؛
۹. رصد دایمی ظرفیت‌های محیطی و اقتضائات اجتماعی و تنظیم ظرفیت دانشگاه‌ها در مقاطع مختلف علمی متناسب با رتبه علمی آنها و نیازهای حال و آینده کشور؛
۱۰. رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر فساد دانشگاهی و پیامدهای آن بر حسب میزان اثرگذاری و بررسی اثرهای متقابل احتمالی آنها که می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های مناسب‌تر آتی مفید باشد؛
۱۱. بررسی اسناد فرادستی و سیر قوانین و مقررات نظام آموزش عالی ایران با هدف تدوین الگو و چارچوبی برای پیشگیری و مبارزه با فساد دانشگاهی به‌عنوان محور پژوهش‌های بعدی.

References

1. Abbasy, A., & Zaer, B. (2015). Individual factor and types of academic misconduct. *Communication Management in Sports Media*, 2(6), 21-29 (in Persian).
2. Aliverdina, A., & Salehnejad, S. (2013). A study of influential factors on students' participant in cheating behavior. *Ethics in Science and Technology*, 8(1), 85-93 (in Persian).
3. Altbach, P. (2016). *Global perspectives on higher education*. Baltimore, John Hopkins University Press.
4. Chapman, D.W., & Chien, C.L. (2014). Graduate education in Malaysia and Thailand. *Higher Education in East and South Asia: Expand out, Expanding up*, 33-44.

5. Chapman, D.W., & Lindner, S. (2016). Degrees of integrity: The threat of corruption in higher education. *Studies in Higher Education*, 41(2), 247-268.
6. Chen, S., & Macfarlane, B. (2015). Academic integrity in China. *Handbook of Academic Integrity*, 99-105.
7. Denisova-Schmidt, E. (2017). The challenges of academic integrity in higher education: Current trends and prospects. *Boston College Center for International Higher Education*.
8. Denisova-Schmidt, E., Huber, M., & Leontyeva, E. (2016). On the development of students' attitudes towards corruption and cheating in Russian universities. *European Journal of Higher Education*, 6(2), 128-143.
9. Dong, B., & Torgler, B. (2013). Causes of corruption: Evidence from China. *China Economic Review*, 26, 479-503.
10. Dridi, M. (2014). Corruption and education: Empirical evidence. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 4, 476-493.
11. Farasatkah, M. (2008). *History and events of University in Iran: Historical review of higher education and the economic, social, political and cultural changes affecting it*. Tehran: Rasa Cultural Service Institute (in Persian).
12. Ghahramani, M., & haidari, R. (2013). Investigating the relationship between the healths of the administrative system and improving the manpower performance of financial - governmental organizations of West Azarbaijan province. *Quarterly Quantitative Studies in Management*, 4(2), 155-186 (in Persian).
13. Gholipour, A., Koushazadeh, S.A., Salimi, Gh., Amiri-Tayyebi, & Ebrahimi, A. (2009). Study of effective factors on retributive injustice and its role on prevalence of educational & investigative corruption in universities (Multi Case Study: Tehran Universities). *Strategic Management Thought*, 3(2), 41-74 (in Persian).
14. Giorgio, B. (2005). Plagiarism: A student-led, proactive approach. *English Leadership Quarterly*, 28(1), 16-17.
15. Hallak, J., & Poisson, M. (2007). *Corrupt schools, corrupt universities: What can be done?*. Paris: International Institute for Educational Planning, UNESCO.

16. Hemati, R. (2013). Quantity-oriented development of supreme education and academic life in Iran. *Iranian Journal of Management in Islamic University*, 2(5), 127-156 (in Persian).
17. Heyneman, S. (2011). The corruption of ethics in higher education. *International Higher Education*, (62), 8-9.
18. Heyneman, S.P. (2013). Higher education institutions: Why they matter and why corruption puts them at risk. *Global Corruption Report: Education*, Transparency International, 101-108.
19. Jamali, R., Ghazinoory, S., & Sadeghi, M. (2014). Plagiarism and ethics of knowledge: Evidence from international scientific papers. *Journal of Information Ethics*, 23(1), 101-110.
20. Love, P.G., & Simmons, J. (1998). Factors influencing cheating and plagiarism among graduate students in a college of education. *College Student Journal*, 32(4), 1-8.
21. Moghtaderi, A., & Dahmardeh, M. (2012). Fraud and misconduct in medical research. *Zahedan Journal of Research in Medical Sciences*, 14(1), 1-7 (in Persian).
22. Nature (2009). Plagiarism scandal grows in Iran. *Nature* 462, 704-705, Retrieved from <https://www.nature.com/news/2009/091209/full/462704a.html>.
23. Nature (2016). Is there a reproducibility crisis in science?. *Nature* 533, 452-454, Retrieved from http://www.nature.com/polopoly_fs/1.19970!/menu/main/topColumns/topLeftColumn/pdf/533452a.pdf.
24. Osipian, A. (2007). Corruption in higher education: Conceptual approaches and measurement techniques. *Research in Comparative and International Education*, 4 (2), 313-332.
25. Osipian, A. L. (2012). Education corruption, reform, and growth: Case of post-soviet Russia. *Journal of Eurasian Studies*, 3(1), 20-29.
26. Otengho, S.J. (2016). *Government official's perspective on regulatory mechanisms to mitigate unabated corruption in the education sector in Kenya: A case study* (Doctoral dissertation). Northcentral University.
27. Park, C. (2003). In other (people's words): Plagiarism by university students- literature and lessons. *Assessment and Evaluation in Higher Education*, 28(5), 471-488.

28. Rumyantseva, N.L. (2005). Taxonomy of corruption in higher education. *Peabody Journal of Education*, 80(1), 81-92.
29. Scanlon, P.M., & Neumann, D.R. (2002). Internet plagiarism among college students. *Journal of College Student Development*, 43, 374.
30. Seniwoliba, J.A., & Boahene, B.E. (2015). Manifestation of corruption in higher education: The role of the university administrator. *Research Journal of Educational Studies and Review*, 1(3), 78-88.
31. Shaw, M.A., Chapman, D.W., & Rumyantseva, N.L. (2011). The impact of the Bologna process on academic staff in Ukraine. *Higher Education Management and Policy*, 23(3), 1-21.
32. Strauss, A., & Corbin, J. (2006). Principles of qualitative research methodology: Basic theory, procedures and practices (Translate by Boyuk Mohamadi). Tehran: Research Institute of Humanities and Women Studies (in Persian).
33. Thurmond, B.H. (2010). *Student plagiarism and the use of a plagiarism detection tool by community college faculty*. (Unpublished Doctoral dissertation). Indiana State University.
34. Transparency International (2013). Global Corruption Barometer. Berlin: Transparency International.
35. Yomint (1390). Corruption: Causes, consequences and treatment, (Translated by: Alavi Langroudi, S.H). *Banking and Economics Journal*, 4 (119), 30-34 (in Persian).
36. Zaker Salehi, Gh. (2011). A survey of science and technology status quo in Iran and in its development plans. *The Journal of Planning and Budgeting*, 16(4), 3-47 (in Persian).
37. Zamani B.E., Azimi, S.A., & Soleymani, N. (2013). Identifying and prioritizing the effective factors affecting the students' plagiarism in Isfahan University. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 19 (1), 91-110 (in Persian).

